

## السبب الثاني: الرضاع

### سبب دوم: شیردادن

والنظر في: شروطه، وأحكامه.

این بخش شامل دو بحث می باشد: شروط و احکام آن.

انتشار الحرمة بالرضاع يتوقف على شروط:

به وجود آمدن محرمیت با شیر دادن چند شرط دارد: شروط شیر دادن:

الأول: أن يكون اللبن عن نكاح فلو درّ لم ينتشر حرمة. وكذا لو كان عن زنا. و نكاح الشبهة بمنزلة النكاح الصحيح. ولو طلق الزوج وهي حامل منه، أو مرضع فأرضعت ولداً، نشر الحرمة كما لو كانت في حباله، وكذا لو تزوجت ودخل بها الزوج الثاني وحملت. أما لو انقطع ثم عاد في وقت يمكن أن يكون للثاني، كان له دون الأول. ولو اتصل حتى تضع الحمل من الثاني كان ما قبل الوضع للأول، وما بعد الوضع للثاني.

شرط اول: شیر، حاصل از فرزندی باشد که با ازدواج متولد شده است؛ پس اگر بدون آن از او شیر بیاید موجب محرمیت نمی شود، و همچنین اگر بر اثر زنا باشد. ازدواج شبهه دار (که به دلیل وجود اشکالی در آن صحیح نبوده است) مانند ازدواج صحیح است.

اگر مرد زنش را طلاق بدهد، در حالی که زن از او باردار بوده و یا بچه شیر می دهد، و او بچه دیگری را شیر دهد (با وجود سایر شرایط) موجب محرمیت می شود؛ همانطور که اگر جدا نشده بودند اینچنین بود. همچنین است اگر زن ازدواج کند و از شوهر دوم باردار شود (و شیرش خشک نشود)؛ اما اگر شیر قطع شود، سپس در زمانی که ممکن است از شوهر دوم بوده باشد دوباره شیر بیاید، از دومی محسوب می شود نه اولی، و اگر شیر تا زمان به دنیا آمدن بچه شوهر دوم ادامه داشته باشد، پیش از وضع حمل، آن شیر متعلق به شوهر اول و بعد از وضع حمل، شیر از شوهر دوم می باشد.

الشرط الثاني: الكمية، وهو ما أنبت اللحم وشدّ العظم. وينشر الحرمة إن بلغ خمس عشرة رضعة، أو رضع يوماً وليلة. ويعتبر في الرضعات المذكورة قيود ثلاثة: أن تكون الرضعة كاملة، وأن تكون الرضعات متوالية، وأن يرتضع من الثدي.

شرط دوم: مقدار. مقدار آن باید به اندازه‌ای باشد که گوشت بروید و استخوان سفت شود. اگر پانزده مرتبه و یا یک شبانه‌روز کامل بچه را شیر دهد موجب محرّمیت می‌شود، و در این شیر دادن‌ها سه شرط لازم است: ۱- اینکه شیر دادن کامل باشد ۲- شیر دادن‌ها پشت سر هم باشد ۳- اینکه شیر دادن از پستان باشد.<sup>(۱)</sup>

ویرجع في تقدير الرضعة إلى العرف، فلو التقم الثدي ثم لفظه وعاود، فإن كان أعرض أولاً فهي رضعة، وإن كان لا بنية الإعراض كالنفس أو الالتفات إلى ملاعب، أو الانتقال من ثدي إلى آخر، كان الكل رضعة واحدة، ولو منع قبل استكمال الرضعة لم يعتبر في العدد.

در مقدار شیر دادن کامل به عرف مراجعه می‌شود. اگر پستان را به دهان بگیرد و شیر بخورد سپس آن را رها کند و دوباره بگیرد، اگر از شیر خوردن اول به دلیل سیر شدن دست بردارد، این یک شیر دادن محسوب می‌شود ولی اگر به دلیل دیگری مانند نفس کشیدن یا پرت شدن حواس بچه به اسباب‌بازی‌ها یا انتقال از یک پستان به پستان دیگر از شیر خوردن دست بکشد مجموع این شیر خوردن‌ها یک بار شیر خوردن محسوب می‌شود، و اگر از شیر خوردن منع شود، در تعداد دفعات شیر خوردنش به حساب نمی‌آید.

ولابد من توالي الرضعات بمعنى أن المرأة الواحدة تنفرد بإكمالها، فلو رضع من واحدة بعض العدد، ثم رضع من أخرى، بطل حكم الأول.

دفعات شیر دادن باید پشت سر هم باشد، به این معنا که آن زنی که به او شیر می‌دهد (تا زمانی که تعداد دفعات لازم کامل شود) یک نفر باشد، پس اگر چند وعده (کمتر از پانزده وعده) از یک نفر شیر بخورد سپس از شخص دیگری شیر بخورد، حکم شیر دادن نفر اول باطل می‌شود.<sup>(۲)</sup>

ولو تناوبت عليه عدة نساء لم ينشر الحرمة ما لم يكمل من واحدة خمس عشرة رضعة ولاء. ولا يصير صاحب اللبن مع اختلاف المرضعات أباً، ولا أبوه جداً، ولا المرضعة أمّاً. ولابد من ارتضاعه من الثدي، فلو وجر في حلقه، أو أوصل إلى جوفه بحقنة، وما شاكلها لم ينشر. وكذا لو جبن، فأكله جبناً. وكذا يجب أن يكون اللبن بحاله،

---

1- پس اگر شیر را بدو شد سپس به بچه بدهد موجب محرّمیت نمی‌شود، حتی اگر سایر شروط را داشته باشد و به قدری باشد که گوشت بروید و استخوان سفت شود. (مترجم)

2- یعنی اگر بخواهد به نفر اول محرم شود باید از ابتدا پانزده وعده از او شیر بخورد. (مترجم)

فلو مزج بأن ألقى في فم الصبي ماءً ورضع، فامتزج حتى خرج عن كونه لبناً، لم ينشر.

اگر چند زن به طور متناوب به او شیر می دهند، تا زمانی که از یکی از این زن ها پانزده بار پشت سر هم شیر نخورد موجب محرمیت نمی شود، و در صورت مختلف بودن زنان شیرده، صاحب شیر<sup>(3)</sup> در حکم پدر او نمی باشد و پدرش نیز پدر بزرگ او محسوب نمی شود و زن شیرده هم مادر او نمی باشد.

باید شیر دادن به بچه از پستان باشد؛ پس اگر شیر را در حلق او بچکاند یا به وسیله ای (مانند شیشه یا سُرنگ) و امثال آن شیر را به او بدهند و او را سیر کنند، موجب محرمیت نمی شود، و همچنین اگر شیر را پنیر کنند و به او بخوراند نیز به همین صورت خواهد بود. همچنین لازم است شیر به حالت خود باقی باشد؛ پس اگر همراه شیر مایع دیگری در دهان او بریزند به طوری که با هم مخلوط شود و از حالت شیر بودن خارج شود، موجب محرمیت نمی شود.

ولو ارتضع من ثدي المیتة، أو رضع بعض الرضعات وهي حية، ثم أكملها میتة، لم ينشر.

اگر از پستان زن مرده ای شیر بخورد یا اینکه مقداری از شیر خوردن هایش زمان زنده بودن و مقداری بعد از مرگش باشد، موجب محرمیت نمی شود.

الشرط الثالث: أن يكون في الحولين ويراعى ذلك في المرتضع، لقوله (ع): (لا رضاع بعد فطام)، ولا يراعى في ولد المرضعة. فلو مضى لولدها أكثر من حولين، ثم أرضعت من له دون الحولين نشر الحرمة.

شرط سوم: اینکه شیر دادن ها تا قبل از اتمام دو سالگی بچه باشد، همانطور که معصوم (ع) فرموده است: (لا رضاع بعد فطام) (بعد از دو سالگی بچه دیگر شیر دادنی نیست)، و لازم نیست فرزند زن شیر دهنده کمتر از دو سال باشد؛ بلکه اگر از تولد فرزند خودش بیش از دو سال گذشته باشد و به بچه ای که کمتر از دو سال است شیر بدهد (با وجود سایر شرایط) موجب محرمیت می شود.

ولو رضع العدد إلا رضعة واحدة فتم الحولان، ثم أكمله بعدهما لم ينشر الحرمة. وكذا لو كمل الحولان ولم يرو من الأخيرة، وينشر إذا تمت الرضعة مع تمام الحولين.

اگر تنها یک وعده از تعداد دفعاتی که لازم است به بچه شیر بدهد بعد از دو سالگی بچه قرار گیرد، چه وعده آخر را به او شیر بدهد و چه ندهد، موجب محرمیت نمی‌شود، ولی اگر تعداد دفعات شیر دادن<sup>(4)</sup> با پایان دوسالگی کامل شود موجب محرمیت می‌شود.

الشرط الرابع: أن يكون اللبن لفحل واحد، فلو أرضعت بلبن فحل واحد مئة حرم بعضهم على بعض. وكذا لو نكح الفحل عشراً وأرضعت كل واحدة واحداً أو أكثر حرم التناكح بينهم جميعاً.

شرط چهارم: اینکه شیر از یک شوهر باشد؛<sup>(5)</sup> پس اگر با شیر یک مرد، صد بچه را شیر دهد، تمامی آنها با یکدیگر محرم می‌شوند، و همچنین اگر مرد، ده زن داشته باشد و هر کدام از این زن‌ها یک یا چند بچه را شیر بدهند تمام آنها به هم محرم می‌شوند.

ولو أرضعت اثنين بلبن فحلين لم يحرم أحدهما على الآخر، ويحرم أولاد هذه المرضعة نسباً على المرتضع منها.

اگر یک زن به دو بچه شیر بدهد به این صورت که شیری که به هر کدام از آنها داده است حاصل از ازدواج با مردی دیگر بوده باشد، آن دو بچه به هم محرم نمی‌شوند، ولی بر فرزندان خود آن زن محرم می‌شوند.

ويستحب أن يختار للرضاع: العاقلة، المسلمة، العفيفة، الوضيئة. ولا تسترضع الكافرة، ومع الاضطرار يسترضع الكتابية، ويمنعها من شرب الخمر، وأكل لحم الخنزير. ويكره أن يسلم إليها الولد لتحمله إلى منزلها، وتتأكد الكراهية في ارتضاع المجوسية. ويكره أن يسترضع من ولادتها عن زنا.

مستحب است زنی را برای شیر دادن به فرزندش انتخاب کند که: عاقل، مسلمان، عقیف و پاک و نیکو باشد؛ و زن کافر را برای شیر دادن به فرزندش انتخاب نکند و اگر مجبور شد زن اهل کتاب را انتخاب کند، و آن زن را (در ایام شیر دادن) از خوردن شراب و گوشت خوک منع کند، و مکروه است که فرزند را به او بدهد تا به منزل خودش ببرد، و اگر زن، مجوس (آتش پرست) باشد کراهت شدیدتر می‌شود. همچنین مکروه است زنی که با زنا بچه‌دار شده است به فرزندش شیر بدهد.

4- پانزده وعده یا یک شبانه روز. (مترجم)

5- یعنی شیری که در پستان زن وجود دارد به واسطه فرزندگی باشد که از آن مرد است. (مترجم)

وَأما أحكامه، فمسائل:

احكام شير دادن:

الأولى: إذ حصل الرضاع المحرم انتشرت الحرمة بين المرضعة وفحلها إلى المرتضع، ومنه إليهما، فصارت المرضعة له أمًا، والفحل أبًا، وأبأؤهما أجداداً، وأمهاتهما جدات، وأولادهما أخوة، وأخواتهما أخوالاً وأعماماً.

اول: هنگامی که شیر دادن موجب محرمیت شود، این محرمیت بین زنی که شیر داده و مرد صاحب شیر و بچه‌ای که شیر خورده است به وجود می‌آید، در نتیجه زن شیر دهنده مادر و شوهرش پدر او می‌شود، و پدر و مادر آن دو پدر بزرگ و مادر بزرگ او می‌شوند و فرزندانشان خواهر و برادر او و برادر و خواهرهای آنها خاله، دایی، عمه و عموی او می‌شوند.

الثانية: كل من ينتسب إلى الفحل من الأولاد، ولادة ورضاعاً يحرمون على هذا المرتضع. وكذا من ينتسب إلى المرضعة بالبنوة، ولادة وإن نزلوا. ولا يحرم عليه من ينتسب إليها بالبنوة رضاعاً.

دوم: فرزندان نسبی (اصلی) و فرزندان رضاعی (از طریق شیر خوردن) مرد صاحب شیر به بچه‌ای که شیر خورده محرم می‌شوند، و همچنین فرزند و نوادگان زن شیر دهنده که به سبب ولادت به او منتسب هستند به فرزندی که شیر خورده محرم می‌شوند، و فرزندان که به سبب شیر خوردن، آن زن در حکم مادر آنان است، بر فرزندی که شیر خورده است محرم نمی‌شوند.

الثالثة: لا ينكح أبو المرتضع في أولاد صاحب اللبن، ولادة ولا رضاعاً، ولا في أولاد زوجته المرضعة ولادة؛ لأنهم صاروا في حكم ولده. ويجوز أن ينكح أولاده الذين لم يرتضعوا من هذا اللبن في أولاد هذه المرضعة، وأولاد فحلها.

سوم: پدر بچه‌ای که شیر خورده است نمی‌تواند با فرزندان اصلی یا رضاعی صاحب شیر (شوهر زن شیر دهنده) و همچنین فرزندان اصلی زن شیر دهنده، ازدواج کند؛<sup>(6)</sup> چون آنها در حکم فرزندان هستند، و جایز است که دیگر فرزندان او که از او شیر نخورده‌اند (یعنی برادر و خواهر بچه‌ای که شیر خورده) با فرزندان صاحب شیر و زن شیر دهنده ازدواج کنند.

---

6- به همین دلیل اگر با وجود شرایط ذکر شده مادر بزرگ به نوه دختری خود شیر بدهد، پدر و مادر بچه بر هم حرام ابدی می‌شوند و عقد ازدواج آنها باطل می‌شود، زیرا در این صورت مادر بچه در حکم فرزند پدر بچه (شوهرش) می‌باشد. (مترجم)

أما لو أرضعت امرأة ابناً لقوم، وبنثاً لآخرين جاز أن ينكح إخوة كل واحد منهما في إخوة الآخر؛ لأنه لا نسب بينهم ولا رضاع.

اما اگر زنی پسری را از یک قوم و دختری را از قومی دیگر شیر دهد، جایز است که خواهر و برادر هر کدام از آن دو با خواهر یا برادر دیگری ازدواج کند؛ چون بین آنها نه از جهت نسب و نه از جهت شیر دادن محرمیت وجود ندارد.

الرابعة: إذا قال: هذه أختي من الرضاع، أو بنتي على وجه يصح، فإن كان قبل العقد حكم عليه بالتحريم ظاهراً، وإن كان بعد العقد ومعه بيعة حكم بها. فإن كان قبل الدخول فلا مهر، وإن كان بعده كان لها المسمى. وإن فقد البيعة وأنكرت الزوجة لزمه المهر كله مع الدخول، ونصفه مع عدمه. ولو قالت المرأة ذلك بعد العقد لم يقبل دعواها في حقه إلا ببيعة، ولو كان قبله حكم عليها بظاهر الإقرار.

چهارم: هنگامی که (به کسی که قصد ازدواج با او را دارد) بگوید: این شخص به سبب شیر خوردن به طور صحیح خواهر یا دختر من است، اگر این گفته قبل از عقد باشد بنابر ظاهر بر هم حرام می‌شوند، و اگر بعد از عقد باشد و دو شاهد نیز آرایه دهد حکم به حرمت آن ازدواج می‌شود. اگر این گفته پیش از نزدیکی باشد، لازم نیست مهریه بدهد و اگر بعد از آن باشد باید مهریه ذکر شده را بپردازد. اما اگر برای اثبات گفته‌اش بیینه و شاهد نداشته باشد و زن نیز انکار کند، اگر نزدیکی کرده باشد تمام مهریه وگرنه نصف مهریه را باید بپردازد. اگر زن بعد از عقد این مطلب (که به سبب شیر خوردن بر شوهرش حرام است) را ادعا کند، از او پذیرفته نمی‌شود مگر اینکه برای اثبات گفته خود بیینه و شاهد داشته باشد، ولی اگر قبل از عقد باشد بنابر ظاهر به گفته او حکم می‌شود (و نمی‌توانند با هم ازدواج کنند).

الخامسة: لا تقبل الشهادة إلا مفصلة، وأما إخبار الشاهد بالرضاع فيكفي مشاهدته ملتقماً ثدي المرأة، ماصاً له على العادة حتى يصدر.

پنجم: شهادت دادن شاهد (بر اینکه بچه شیر خورده است) تنها در شرایطی پذیرفته می‌شود که با جزئیات باشد، و برای مطلع شدن شاهد از شیر دادن، همین قدر که بیینه بچه پستان را در دهان گرفته و به طور معمول می‌مکد تا شیر بیاید کافی است.

